

رادیو قرآن

# رسانه در خدمت دین

## گفت و گو با دکتر حسین ساری مدیر شبکه قرآن

● محمدرضا شهیدی فرد

تعیین قرار ملاقات در یک ماه اخیر با مدیر رادیو قرآن چندان هم کارساده‌ای نبود. شاید یک دلیل آن می‌تواند این باشد که شبکه قرآن به عنوان یکی از شبکه‌های تخصصی رادیو راه خود را یافته و در صدد استفاده بهینه از فضای ماه مبارک رمضان جهت دستیابی به اهداف شبکه‌اش است. این امر موید این نکته نیز هست که هر شبکه تخصصی، در کنار محدودیتها و مرزهای روشنی که در حوزه برنامه‌سازی برای خود قائل است، می‌تواند با تکیه بر حوزه تخصصی خود و به یاری هنر برنامه‌سازی، آن چنان اتفاقات و وقایع روزمره را در قالب خاص خود در بیاورد که حتی از میزان رضایت نسبی مجموع جامعه مخاطبان برخوردار باشد.

برایند این نکات با نگاهی اجمالی به شبکه قرآن در گفت‌وگو با مدیر این شبکه بیشتر قابل مشاهده خواهد بود.

- شما چند سال است در رادیو قرآن تشریف دارید؟  
○ سه سال است.
- قبلاً  
○ قبلاً یک سال در شبکه جوان بودم. قبل از آن، سه - چهار سال مدیر کل پخش بودم و قبل از آن هم در گروه
- شما چقدر در رادیو قرآن آشنایی داشتید؟  
○ بله، دقیقاً همین بود. یعنی چه بسا من خودم در ابتدا، ورودی به این موضوع نداشتم، البته مثل هر کس دیگری علاقه‌مند به کتاب آسمانی هستم و نشر آن را وظیفه شخصی می‌دانم و احساس تکلیف می‌کنم، منتها به لحاظ مدیریتی و
- اجتماعی بودم؛ یعنی در اواخر سال ۱۳۶۹ که وارد رادیو شدم، به مدت دو سال سردبیر برنامه‌های اجتماعی بودم و یک سال هم بعد از اینکه آقای آتش افروز رفت، برنامه سلام، تهران را داشتم.
- چگونه شد که به رادیو قرآن آمدید؟  
آیا در واقع یک ضرورت مدیریتی و

تشکیلات، به رادیو قرآن آمد. البته من خودم معتقدم در حوزه‌های مدیریتی که یک سطح از تعریف استراتژیک در آن نهفته است؛ یعنی با محیط اطرافش کاملا در تعامل است، حتما یک مدیریت استراتژیک نیاز است و آن وقت آگاهیهای تخصصی در اولویت قرار نمی‌گیرند. بیشتر، آگاهیهای مدیریتی است و در همه‌جای دنیا هم اینطور عمل می‌کنند. ولی در عین حال، حدود سه سال قبل به ضرورتی که در رادیو قرآن ایجاد شد، به این رادیو آمدم.

در آن زمان، رادیو قرآن یک برنامه در داخل شبکه‌های دیگر حساب می‌شد، تازه توسعه پیدا کرده بود؛ از یک برنامه چند ساعته توسعه زمانی پیدا کرده بود و این اتفاق حدود سال ۱۳۷۷ بود. تشکیلات جدیدی هم برای رادیو قرآن در حال تدوین بود و نهایتا اینکه به سمت یک شبکه مستقل پیش می‌رفت.

چون بنا بود این شبکه، شبکه مستقل رادیویی بشود، باید استعداد یک شبکه را به لحاظ لجستیک، نرم‌افزار، سخت‌افزار و فرم کار پیدا می‌کرد. برای تامین و تشکیل این استعداد، من به آنجا رفتم. تصور خود من هم این بود، که بعد از شش ماه یا یک سال این دوره به اتمام برسد. قراری هم که با معاون صدا گذاشته بودیم این بود که من نهایتا حدود یک سال در رادیو قرآن بمانم و بعد به حوزه اصلی خودم که گروه اجتماعی بود برگردم. منتها به دلایل مختلف در آنجا ماندم؛ به دلیل علاقه‌ای که ایجاد شد و خود من تمایل داشتم که کاری که آغاز شد به جایی رسیده شود و الحمدلله، ماموریت اولیه که ایجاد آن استعداد و توان یک شبکه بود، تا حدی در وسع

مجموعه رادیو انجام شد و تمام مختصاتی که رادیوهای دیگر دارند، رادیو قرآن نیز از آنها بهره‌مند شد.

**□ در حال حاضر روزی چند ساعت برنامه دارید؟**

○ در حال حاضر، پخش ۲۴ ساعته

## یکی از عوامل و معیارهای

### برنامه زنده در شبکه

### سراسری تحرک سریع داخل

### برنامه و هیجانی است که

### داخل برنامه ایجاد می‌شود،

### در حالی که این امر در

### برنامه‌های رادیو قرآن خوب

### نیست و اگر ایجاد شود، بسیار

### کمتر است. بیشتر روی بعد

### ارتباط با مخاطب است.

○ یکی از ویژگیها هم همین بود؛ چون وقتی این برنامه تبدیل به یک شبکه شد، یکی از مشکلات همین بود که ما با چه تیپ افراد و چه گرایشهایی شروع کنیم. مجموعه جلسات و بحثها به این نتیجه رسید که از افراد جدید که در حوزه علوم قرآنی تبحر دارند، دعوت کنیم و تجربه را با آنها شکل دهیم. در حال حاضر، در مجموعه رادیو قرآن از همکاران قدیمی رادیو بسیار کم داریم. شاید اگر من بخواهم نام ببرم، نهایتا سه یا چهار نفر از برنامه رادیو قرآن از قدیمیهای رادیو هستند. نوعا افراد جدیدی هستند که به واسطه آن شرط لازم که تسلط بر موضوع هست، وارد مجموعه شدند و این دو سال و نیم را طی کردند. البته دوره‌های مختلفی هم گذاشتیم و خودمان متناسب با رویکرد رادیو قرآن دوره‌های مخصوص برای گوینده‌ها و تهیه‌کننده‌ها ترتیب دادیم.

**□ الان به طور میانگین چند ساعت**

**برنامه زنده دارید؟**

○ تقریبا ۵ تا ۶ ساعت برنامه زنده داریم، آن هم به صورت متوسط. پیش‌تر تجربه دیگری هم داشتیم و تعداد ساعات زنده رادیو قرآن بیشتر بود. آن قالب برنامه سازی MC را هم تجربه کردیم، ولی مجددا با اصلاحاتی به روش مفیدمان برگشتیم که ۵ الی ۶ ساعت، بسته به فصل و موقعیت، برنامه زنده داریم که باز هم در زمانهای مختلف متفاوت است.

**□ برنامه‌های زنده در شبکه شما همان**

**فایده‌ها و ویژگیهای را دارند که مثلا**

**برنامه‌های زنده در شبکه سراسری**

**دارند؟**

○ خوب، طبیعی است که برنامه‌های

زنده می‌توانند ویژگیهای مشترکی هم

است، البته تکرار برنامه هم وجود دارد ولی تکرار برنامه‌های رادیو قرآن با رادیوهای دیگر متفاوت است؛ یعنی تقریبا توانستیم ویژگیهای یک شبکه رادیویی را کسب کنیم، منتها در فرم برنامه‌سازی. در همین دو-سه ساله به همین میزان توانستیم تجربه به دست آوریم و البته تجربه کلی حوزه برنامه‌سازی در رادیو را داشتیم، چه بسا بیشتر از دو سال هم از نظر زمانی پیشرفت داشتیم، اما نهایتا حدود دو سال است که تجربه برنامه حرفه‌ای رادیویی در حوزه معارف و قرآن را انجام می‌دهیم.

**□ درباره افرادی که از شبکه‌های دیگر**

**آمدند یا از صفر در شبکه قرآن شروع**

**کردند، نیز توضیح دهید؟**



داشته باشند، ولی با رویکرد موضوعی که در رادیو قرآن وجود دارد، قطعاً متفاوت است. ممکن است، یکی از عوامل و معیارهای برنامه زنده در شبکه سراسری تحرک سریع داخلی برنامه و هیجانی است که داخل برنامه ایجاد می‌شود، در حالی که این امر در برنامه‌های رادیو قرآن خوب نیست و اگر ایجاد شود، بسیار کمتر است. بیشتر روی بعد ارتباط با مخاطب است و

بوده‌اند و در رادیو قرآن که کمتر از این مقدار هم هست، علتش هم این است که بخشهای زیادی از پوشش ما توسط فرستنده‌های AM انجام می‌گیرد که نوعاً کیفیت نازلتری نسبت به فرستنده‌های FM دارند. نهایتاً این مشکل تنها به رادیو قرآن اختصاص ندارد و همه شبکه‌های رادیو یا آن دست و پنجه نرم می‌کنند. به نظر من یکی از دلایل افت مخاطب، همین مسئله فرستنده‌ها و کیفیت صدا

**اگر واقع بینانه نگاه کنیم، به هر حال رادیو را هم باید در سطح تکنولوژی خودش ارزیابی کنیم. من عرض کردم علی‌رغم اینکه حدود ۱۶ سال از جرعه اولیه برنامه‌های قرآنی می‌گذرد، ولی ما حدود ۲ تا ۳ سال است که به طور جدی در حوزه برنامه‌سازی وارد شده‌ایم.**

الحمدلله از این ظرفیت می‌توان به خوبی استفاده کرد.

□ **آنتهای شما همه کشور را پوشش می‌دهند؟**

○ خیر، آماری که ما داریم، نشان می‌دهد که ۷۰ تا ۷۵ درصد پوشش جغرافیایی را داشته باشیم. البته ظرفیت اسمی توسط همکاران فنی عنوان می‌شود که قاعدتاً باید کمتر باشد. منتها فرستنده‌های رادیو در همه شبکه‌ها مشکلات مزمزی دارند که حتماً باید برای آنها فکری اساسی شود. در یک نظرسنجی که مرکز تحقیقات از مراکز استانها انجام داده بود، متوسط رضایت و مطلوبیت صدا، زیر ۷۰ درصد بود؛ یعنی کسانی که اظهار می‌کردند که از صدایی که توسط فرستنده‌ها پخش می‌شود، راضی هستند، متأسفانه زیر ۷۰ درصد

است. مخاطب فقط از یک کانال حسی پیام ما را دریافت می‌کند و اگر در این کانال حسی، پیام به آسانی و با کیفیت دریافت نشود، در حقیقت باتوجه به رسانه‌های متعددی که در کشور ما وجود دارند، انتظار ما آن‌چنان صحیح نیست که خیلی پایبند به صدای نامطلوبی باشیم که احتمالاً از فرستنده‌ها به گوشمان می‌رسد.

□ **ضرورت‌هایی باعث شد که سازمان به فکر برنامه‌هایی مجزا و بعد هم شبکه‌ای به نام شبکه قرآن بیفتد. تصوری کردیم اگر رادیویی به نام قرآن داشته باشیم که فقط موضوعات قرآنی را پوشش می‌دهد، نتایجی هم خواهد داشت. حالا بعد از گذشت بین ۶ تا ۷ سال هنوز هم فکر می‌کنید که همان ضرورت‌ها وجود دارند یا نه، ممکن**

است ضرورتها تغییر شکل داده باشند و از طرفی نتایجی که در ابتدا طراحی شده بودند، آیا نظرسنجی وجود دارد که تا مقطع حاضر به بعضی از آنها رسیده‌اید؟

○ من اصلاح بکنم که تجربه برنامه قرآنی خیلی بیشتر از اینهاست. شاید الان حدود ۱۷ تا ۱۸ سال از آن تجربه می‌گذرد، منتها تعریف برنامه متفاوت است؛ یعنی چه بسا الان تعریفی که ما از برنامه قرآنی داریم، اصلاً با برنامه‌هایی که آن سال پخش می‌شد منطبق نباشد. ولی پخش نوای قرآن موضوعیت داشت و هنوز هم موضوعیت دارد. لذا همین به‌عنوان یک برنامه تلقی می‌شد. به همین دلیل تا سه- چهار سال قبل تقریباً همه برنامه‌های رادیو منحصر بود به پخش تلاوت قرآن. به‌همین دلیل ناخودآگاه علی‌رغم مأموریتی که برای یک برنامه قرآنی و یک رادیوی قرآنی دیده شده بود، مخاطبان رادیو قرآن کاملاً خاص شده بودند. مخاطبان رادیو قرآن عبارت بودند از کسانی که فقط در حوزه فن قرائت فعالیت می‌کردند و یا عده‌ای که علاقه‌مند بودند فقط بشنوند. این عمل در حقیقت رادیو قرآن را به رادیویی خاص تبدیل کرد. از طرفی هم موضوع، موضوعی خاص است.

بعد از سالهای ۱۳۷۷ با تبدیل شدن یک برنامه به یک شبکه بنا شد تغییراتی در آن صورت بگیرد و برای مأموریت رادیو قرآن که عبارت بود از اشاعه فرهنگ قرآنی، بنا شد که با تغییراتی در رویکرد برنامه‌سازی، مخاطبان هم تعریف جدیدی بشنوند. لذا بعد از آن، شما در تعاریف رادیو قرآن می‌بینید که



**با پیشرفتهای  
فوق العاده‌ای که  
رسانه‌های دیگر  
داشته‌اند، برای اینکه  
رادپو از خانه‌های مردم  
خارج نشود، ناچار است  
راهکارهای متعدد را  
دنبال کند؛ یکی از آن  
راهکارها ایجاد  
رادپویی تخصصی است؛  
یعنی کسانی که  
علاقه‌مند به حوزه  
تخصصی خاص  
هستند، بیایند رادپوی  
خودشان را پیدا کنند و  
به عبارتی رادپو باید  
برای خودش  
سمپات ایجاد بکند.**

می‌گویند «رادپو قرآن یک رسانه عام هست و با موضوع خاص»؛ یعنی سعی می‌کند برای همه اقشار برنامه داشته باشد، منتها در حوزه موضوع قرآن.

حال، ضرورتش چه بود؟ ضرورتش مختلف (متعدد) است. خوب، بالاخره نظام ما هم یک نظام آرمانی است؛ یعنی آرمان اصلی نظام ما استقرار قرآن کریم در جامعه، یا به تعبیری، استقرار فرهنگ قرآنی است. حالا این فرهنگ قرآنی خیلی گسترده می‌شود. اگر بخواهیم این مطلب را خیلی خلاصه شرح بدهیم، باید بگوییم فرهنگ قرآنی عبارت است از فرهنگ قرآن‌خوانی که خودش موضوعیت دارد. منتها فرهنگ قرآنی منحصر به این نیست و مراحل دیگری هم دارد؛ فرهنگ فکر کردن، فرهنگ تدبیر در همه چیز و فرهنگ تزکیه به قرآن. این می‌شود مأموریت نظام اسلامی. حکومت اسلامی مستقر نمی‌شود، مگر برای اجرای فرهنگ قرآنی. حال طبیعی است که رسانه‌ها مأمور این هستند تا به این موضوع به‌عنوان زبان نظام بپردازند.

پس یک ضرورت ایجاد رادپو قرآن، ضرورتی است که در تبیین مأموریت‌های کلان نظام اسلامی در جامعه وجود دارد. ضرورت دیگر، ضرورت حرفه‌ای است؛ یعنی شما بالاخره در این بازار رقابتی رسانه باید دنبال مخاطب باشید، با موضوعات مختلف. یکی از موضوعات که در کنار موضوعات دیگر وجود دارد؛ می‌تواند موضوع تخصصی قرآن باشد؛ یعنی با پیشرفتهای فوق العاده‌ای که رسانه‌های دیگر داشته‌اند، برای اینکه رادپو از خانه‌های مردم خارج نشود، ناچار است راهکارهای متعدد را دنبال کند؛ یکی از آن راهکارها ایجاد رادپویی

رادپوی شناخته شده است و هم در حوزه حرفه‌ای خودش؛ یعنی هم در میان کسانی که در حوزه علوم قرآنی فعالیت می‌کنند و هم بین مردم عادی که همان مخاطبان عام ما را شکل می‌دادند، در این سالها توانسته جایگاهی را برای خودش ایجاد بکند.

بسه‌رحال، رسیدن به این اهداف، نیازمند زمان است، خواستم پرسم آیا شما از همین زمانها درست استفاده کرده‌اید؟ آیا شما برای همان حداقلی که شش‌ونده رادپوی شما بودند، فکری کرده‌اید؟ یا اعتقاد دارید که به دلیل نوع ساختار، طراحیها و اشتباهاتی که داشته،

تخصصی است؛ یعنی کسانی که علاقه‌مند به حوزه تخصصی خاص هستند، بیایند رادپوی خودشان را پیدا بکنند و به عبارتی رادپو باید برای خودش سمپات ایجاد بکند.

حال اینکه واقعا ما چقدر به اهدافمان رسیدیم، خوب، خیلی کم. یعنی در اشاعه فرهنگ قرآنی، خیلی قلیل. اول تبیین فرهنگ قرآنی در جامعه خودش قلیل انجام شده و اشاعه آن هم به همین میزان. اما اینکه از نظر حرفه‌ای توانستیم رادپویی تخصصی برای مخاطبانمان ایجاد بکنیم، بله، تا حدودی به این هدف رسیدیم و الان رادپو قرآن هم در بین رسانه‌ها، یک

### موثر واقع نشد؟

○ هر دو جهت هست؛ یعنی واقعیت انکارناپذیری است که در حال حاضر، رادیو مخاطبان انبوه و کلان خودش را نسبت به دهه گذشته ندارد. به هر حال این مخاطبان، مخاطبان محدودی هستند، نهایتاً تعدادشان به تعداد نفراتی است که در جامعه زندگی می‌کنند. طبیعی است هر رسانه دیگری که وارد می‌شود، سهم خودش از مخاطبان این بازار را می‌گیرد. هر چه قدر آنها سهم‌گیری بکنند، سهم رادیو که قبلاً پیشواز و منحصر بوده، کم می‌شود. پس یکی از دلایل فرمایش شما این است که در مجموع، مخاطبان رادیو، قطعاً مثل سابق نیستند. البته به عقیده من، هنوز به ظرفیت متعادلش نرسیده؛ ممکن است با تلاش بیشتر و برنامه‌ریزی بهتر، از وضعیت موجودمان بتوانیم مخاطبان بیشتری جذب کنیم.

اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، به هر حال رادیو را هم باید در سطح تکنولوژی خودش ارزیابی کنیم. من عرض کردم علی‌رغم اینکه حدود ۱۶ سال از جرقه اولیه برنامه‌های قرآنی می‌گذرد، ولی ما حدود ۲ تا ۳ سال است که به طور جدی در حوزه برنامه‌سازی وارد شده‌ایم. حالا رادیو قرآن محدودیتی را، داوطلبانه برای خودش ایجاد کرده و آن عبارت از این است که از بعضی قالب‌های رادیویی به دلیل نیاز خاص مخاطبان صرف‌نظر کرده. حالا من می‌خواهم به بحث موسیقی، خیلی خلاصه اشاره‌ای بکنم. در حقیقت در رادیو قرآن، بنا، برکار حرفه‌ای رادیویی بود، اما با حذف خیلی از قالب‌های توانمند رادیویی که مهم‌ترین

آن موسیقی است. لذا برای اینکه بتوانیم جایگزین مناسبی برای آن پیدا کنیم، در حال کسب تجربه هستیم.

بعضی وقتها چون می‌خواهیم جایگزین مناسبی برای موسیقی پیدا کنیم، از یک‌سری آواز استفاده می‌کنیم. زمانی هم از تواشیح و یا از آواز عرفانی، و گاهی از تلاوتها و یا حتی از افکت بهره می‌جویم. در هر صورت موسیقی را داوطلبانه حذف کردیم. در

### رادیو هم مثل هر پدیده

#### دیگری، یک خاستگاهی دارد.

#### خاستگاه رادیو در غرب بوده

#### و آنجا شکل گرفته، منتها اگر

#### هر پدیده‌ای در غرب شکل

#### گرفت، ما حق دخل و تصرف

#### در آن را نداریم؟

حقیقت سعی کردیم برای مخاطبانمان قدرت انتخاب بگذاریم. عده‌ای از شنوندگان در این جامعه به هر دلیلی، تمایل به شنیدن موسیقی ندارند که اینها اتفاقاً از مخاطبان ما هم محسوب می‌شوند. لذا در هر صورت این خواسته مخاطبان را لحاظ کردیم و حالت انتخاب را به او دادیم که اگر شما تمایلی به شنیدن این موسیقی ندارید می‌توانید برنامه ما را بشنوید.

#### □ من قبول دارم که تعدادی از افراد

حاضر به شنیدن موسیقی نیستند، ولی آیا شما عقیده ندارید آن دسته‌ای که به‌طور خاص اصلاً مایل به شنیدن موسیقی نیستند، بسیار اندک‌اند و شما مخاطب انبوهی دارید که اگر به‌خاطر

### رعایت حال آنها اتفاقاً از نوعی موسیقی منتخب استفاده می‌کردید، مخاطبان بیشتری داشتید؟

○ من این مطلب را شخصاً قبول ندارم که این تعداد هم بسیار اندک هستند. ممکن است عمومیتی که مدنظر شماست، در حوزه‌های دیگر هم وجود داشته باشد. اما درباره رادیویی صحبت می‌کنیم که موضوع خاصی به‌نام قرآن دارد و علی‌رغم اینکه می‌گوییم، مخاطبان آن مخاطبان عام هستند، در آن حوزه خاص در حال جست‌وجو هستیم. لذا ممکن است عده‌ای تمایل به موسیقی داشته باشند، که باید درباره آنها بررسی دقیق‌تری بکنیم. در هر صورت بحث موسیقی مفصل است. ولی خلاصه کلام اینکه ما به چند دلیل عمده از این قالب صرف‌نظر کردیم. البته موسیقی هم به معنای ساز مدنظر است که این را مسامحتاً از من بپذیرید؛ یعنی آن صدایی که از ساز خارج می‌شود، در غیر این صورت موسیقی به معنای ریتم را داریم. پس به دلیل مخاطب، موسیقی را حذف کردیم. یک دلیل دیگر هم به دلایل فقهی برمی‌گردد که من نمی‌خواهم آن را شرح دهم و در تخصص من هم نیست.

به هر حال بخشی از موسیقی که در جامعه وجود دارد، قطعاً با موازین فقهی ما سازگار نیست. ممکن است بخشهایی از آن هم سازگار باشد، ولی کارشناسان باید در این باره نظر بدهند. در هر صورت احتمال وجود ناخالصی در این موسیقی بسیار زیاد است و به دلیل این احتمال و برای دفع ضرر احتمالی، موسیقی را کنار گذاشتیم. البته الان من چون در جایگاه

رادیو قرآن با شما بحث می‌کنم، این مطلب را می‌گویم، در حالی که اگر در موقعیت دیگری بودم، به‌گونه دیگری با شما بحث می‌کردم؛ چون من مخاطبم را می‌بینم.

حال برای اینکه موسیقی حذف شده را جایگزین بکنیم تا ارکان برنامه‌سازی دچار لطمات جبران‌ناپذیر نشود، باید ببینیم کارکرد موسیقی در برنامه‌های رادیویی چیست. اینکه شما می‌فرمایید برنامه رادیویی با موسیقی تعریف می‌شود، من هم با بخشی از آن موافق هستم. خوب، هیچ‌کس هم ادعا نمی‌کند که در رادیو موسیقی را فقط به‌خاطر موسیقی پخش می‌کنیم. پس باید ببینیم کارکرد موسیقی چیست؟ یکی از کارکردهای عمده موسیقی، ایجاد نشانه است؛ یعنی شما با موسیقی، آرم خاصی را در اذهان ایجاد می‌کنید. هدف من از برشمردن این کارکردها این است که بگویم ما درحال یافتن جایگزین برای موسیقی در

برنامه‌ها هستیم. پس یک کارکرد مهم موسیقی، کارکرد نشانه است.

کارکرد دیگر موسیقی که بسیار مهم است و جزء عمده کارکرد موسیقی در برنامه‌های ما شده، کارکرد میانجی یا فاصله‌ای است که موسیقی دارد. یکی دیگر از کارکردهای موسیقی، همان ایجاد اصوات است که مثل افکت‌هایی که از موسیقی استخراج می‌شوند و درنهایت کارکردی که بخش کوچکی دارد، همان

پخش موسیقی برای موسیقی است که جزء کارکردهای احساسی موسیقی است. من می‌خواهم عرض بکنم که



### به‌نظم شنیدن قرآن ولو در حال رانندگی کار بسیار خوبی است یا به هنگام انجام کارهای عادی مرور کلام الهی در ذهن اشکال ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به‌دلیل کار حرفه‌ای، ناچار بودیم برای این‌ها جایگزین پیدا بکنیم و تاحدی این کار را انجام دادیم، منتها تجربیات دیگری را هم در دست انجام داریم؛ فرض کنیم ما در نشانه از بخش و کالها (vocal) استفاده کردیم، همین‌طور از کلام و یا از آواز. یا مثلا برای فاصله، از وکال، افکت یا آواز و یا حتی از تواسیح، همخوانی و جمع‌خوانی استفاده کردیم. یعنی واقعا اگر هنرمندی داشته باشیم که از همین

طیف وسیع استفاده بکند، به‌نظم خلا موسیقی را به‌واسطه فاصله، خیلی کم خواهیم داشت.

کارکرد دیگر موسیقی هم افکت است که ما از این مورد، خیلی استفاده می‌کنیم، ولی نه موسیقی سازی. شما غیر از صدای افکتیو ساز هر صدای دیگری را می‌توانید در طبیعت پیدا کنید. پس به دلیل تجربه‌ای که رادیو در برنامه‌سازی ایجاد کرد (که در حقیقت تعریف اصلی برنامه‌سازی را تغییر داد)، این بود که یک برنامه رادیویی بدون آن ساز ایجاد کرد. حالا اینکه چه مقدار موفق بوده، بخشی از آن با مرور زمان مشخص می‌شود و بخشی از آن هم از نگاه حرفه‌ای‌ها. اما بخش عمده‌اش هم از دید مخاطب ماست که توفیق نسبی را به نسبت تجربه‌ای که داریم، کسب کردیم.

□ **خوب**، این فرض را می‌پذیریم که اصلا در رادیو قرآن موسیقی نداشته باشیم. از طرفی هم فرض دیگری بنا می‌کنیم و آن، این است که در دنیا رادیوها به معنای عامشان، با موسیقی به عنوان یک قالب اصلی تعریف شده‌اند. اگر ما می‌دانیم مخاطب خاص رادیو قرآن نمی‌خواهد موسیقی گوش کند، و از طرفی با ابزاری کار می‌کنیم که با موسیقی تعریف می‌شوند، و حالا باییم برایش جایگزین پیدا کنیم، در کل به ساختار دیگری دست پیدا می‌کنیم. این‌طور که شما فرمودید، من فکر می‌کنم



خیلی به جاهای مطمئن نخواهید رسید، به همین دلیل هم هست که برنامه‌های شما در جشنواره‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

○ اتفاقاً باید عرض بکنم حتی در جشنواره‌ها هم برنامه‌های ما همیشه جزء برنامه‌های موفق ارزیابی می‌شوند.

موسیقی پیدا کنیم. به این فکر کنیم که ما یک مخاطب خاص داریم و یک ماتریال، که این آواز کلام یا تلاوت است. مزوج کردن اینها بدون عنایت به شبکه‌های دیگر و با تعریف خاص شبکه قرآن چگونه است؟

○ مثلاً جنگ قرآنی با جنگ شبکه

برجسته‌اند. یعنی یک دقت در انتخاب آنها وجود دارد. من انتظار دارم در مورد گوینده‌هایتان هم به همین اندازه دقت داشته باشید، ولی ندارید؛ یعنی شنونده دوست ندارد وقتی رادیو قرآن را باز می‌کند بعد از یک تلاوت از یکی از قاریان مشهور، یک صدای نحیف و لاغری که نقص کلام هم دارد، بشنود؛ چون حس بدی ایجاد می‌کند.

○ من برای ورود به این قضیه باید یک مقدمه بگویم. برنامه‌سازی در حوزه معارف و قرآن بسیار کار سختی است، در حالی که خیلیها تصور می‌کنند کار در این زمینه بسیار آسان است، چون می‌گویند یافتن سوژه در این زمینه کار بسیار آسانی است. منتها باید عرض کنم این کار به آن سهولتی که آنها فکر می‌کنند، نیست. شما می‌فرمایید که برنامه رادیویی عبارت است از تدوین کلام با موسیقی که

وزن موسیقی در حال افزایش است. حال ما این را گذاشتیم کنار. کسی که می‌خواهد برای جایگزینی موسیقی کاری را انجام دهد و برنامه حرفه‌ای بسازد، به‌نظرم باید توانایی بیشتری داشته باشد.

این قضیه را گفتیم که برسم به اجزای یک برنامه. مشکل گوینده که شما به آن اشاره کردید، بسیار صحیح است و حاد هم هست. تلاشهایی هم کردیم تا گویندگانی جذب کنیم و به دلایل مختلف یک‌سری گویندگان ما

### به دلیل کار حرفه‌ای، ناچار بودیم برای اینها جایگزین پیدا بکنیم و تا حدی این کار را انجام دادیم، منتها تجربیاتی دیگری را هم در دست انجام داریم

چون کاملاً متفاوت است. ما یک وقت می‌گویم این فاصله فقط با موسیقی شکل می‌گیرد، اما من با این موافق نیستم. ممکن است دیگران هم ارزیابی دیگری داشته باشند.

در مجموع، همه اینها تجربه‌ای است که در حال شکل‌گیری است و ما امیدواریم به آن اهداف اصلی که مدنظر قرار دادیم، نزدیک‌تر شویم.

□ در بحث تلاوت، شما همیشه تلاوتهایی از افرادی انتخاب می‌کنید که در این میدان بسیار سابقه‌دار و

من این نکته‌ای که شما فرمودید را قبول دارم، منتها رادیو هم مثل هر پدیده دیگری، خاصگاهی دارد. خاصگاه رادیو در غرب بوده و آنجا شکل گرفته. حال اگر هر پدیده‌ای که در غرب شکل گرفته، آیا ما حق دخل و تصرف در آن را نداریم؟ پس اینکه می‌فرمایید با این رویه ممکن است به نتیجه نرسیم، به نظر من چندان صحیح نیست.

□ بحث من این بود که ما اصلاً فراموش کنیم که رادیو الزاماً موسیقی دارد و بخواهیم جایگزینی برای



رفتند، منتها مشکلی که ما در این حوزه داریم این است که ممکن است در شبکه دیگری صدای گوینده شرط لازم باشد و صدای کامل رادیویی مشکلات دیگر را بیوشناند، یعنی صدا آنجا اولویت دارد، در صورتی که یکی از مشکلات ما در رادیو قرآن (که در همه شبکه‌های محتوایی این مشکل وجود دارد) این است که تسلط بر موضوع اولویت دارد؛ یعنی اگر صاحبان بهترین صداها با موضوع قرآن ارتباط برقرار نکنند، به شدت به برنامه لطمه می‌زنند. یعنی گوینده ما باید حتما در حوزه علوم قرآنی در حد یک کارشناس متوسط باشد تا ما را دچار مشکل نکند.

خب، حالا ما به این شرط اگر بخواهیم به دنبال گویندگان خوب و خوش صدا باشیم، با کار بسیار سختی مواجه خواهیم شد. لذا در حال حاضر ما با دانشکده‌های علوم قرآنی و کلا دانشگاه‌هایی که موضوع قرآن در حوزه مباحثشان است، ارتباطاتی داریم و از آنها درخواست می‌کنیم که دانشجویان مستعدشان را به ما معرفی کنند. البته این مشکل در تهیه‌کنندگی هم وجود دارد و مختص به گوینده‌ها نیست. بهترین تهیه‌کننده رادیو، در رادیو قرآن ممکن است الزاما بهترین تهیه‌کننده نباشد.

**□ برسیم به آیه‌های زندگی. اصلا چه اتفاقی افتاد و چه ضرورتی باعث شد که این برنامه شکل بگیرد؟**

○ با آن تغییر رویکردی که در رادیو قرآن ایجاد شد، بنا شد که ما از وضعیت قبلی بیرون بیاییم. البته این به نظر من ضرورت کل رادیوست؛ یعنی رادیو الان در شرایطی نیست که در لاک خودش بماند و ناچار است از آن حالت بیرون برود، به همین دلیل عرض می‌کنم مدیریت در

رسانه استراتژیک است. شما یک محیط کاملا پرتلاطم متغیر و مملو از رقیب دارید. رقابت در حال حاضر جزء تفکیک‌ناپذیر رادیو شده. در حوزه‌های دیگر وجود داشته، ولی در حوزه فرهنگی و اجتماعی سابقه زیادی ندارد.

منتها یک واقعیت را باید بپذیریم و آن رقابت است. حالا اگر رقیب را پذیرفتیم و برای مردم هم حداقل عقل را قائل شدیم، ناچاریم کارهایی بکنیم که از رقیبمان عقب نیفتیم. در رادیو قرآن برای این که در این عرصه عقب نمانیم، مجموعه‌ای از

زندگی یا مثلا جشنواره‌هایی که برگزار می‌کنیم؛ مثل جشنواره‌های جمع خوانی، اذان و... که برگزار کردیم. در حقیقت فوق برنامه ایجاد کردیم. البته آیه‌های زندگی نمود برنامه‌ای هم داشت. شاید برای اولین بار در رادیو یک طرح چند رسانه‌ای برگزار شد. یک برنامه به نام آیه‌های زندگی تعریف شد. در این طرح بنا شد که حفظ موضوعی قرآن کریم انجام شود. ۳۱۳ موضوع اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و... از قرآن استخراج شد و در قالب برنامه‌های مختلف به

## هر یادگیری، یک تغییر رفتار را هم به دنبال دارد. اگر شما به کارکرد آموزشی رادیو معتقد باشید، حتما یادگیری از طریق آن موجب تغییر رفتار هم می‌شود. البته ممکن است این تغییر رفتار در درازمدت اتفاق بیافتد.

مخاطبان پیشنهاد شد که آیات و مضامین اینها را حفظ و درک کنند.

تلویزیون همکاری خیلی خوبی کرد؛ با یک برنامه مستقل آیه‌های زندگی در آنجا داشتیم و حتی در همه شبکه‌های رادیویی هم حداقل یک برنامه ۱۰ دقیقه‌ای به نام آیه‌های زندگی داشتیم و باتوجه به رویکرد برنامه‌سازی آن شبکه، در این زمینه بحثهایی انجام می‌شد. کتاب آیه‌های زندگی هم در تیراژ وسیعی به چاپ رسید. شاید برای اولین بار متن رادیو را تبدیل به متن مکتوب کردیم.

علاوه بر آن، هر روز در روزنامه جام‌جم صفحه‌ای مخصوص این برنامه داشتیم. در کنار اینها رسانه‌های تبلیغی مثل بلبورد، پلاکارد، پوستر و اینترنت هم

برنامه‌ها تعریف شد که ما بتوانیم رادیو قرآن را از استودیو خارج بکنیم و در معرض دیگران قرار دهیم. این کار، دو حسن داشت. حسن اول این بود که جامعه ما را معرفی می‌کرد. حسن دیگر این بود که وقتی ما می‌رویم بیرون، در معرض نقد قرار می‌گیریم، آنوقت می‌توانیم ضعفهایمان را پوشانیم. یکی از این برنامه‌ها محافل قرآنی بود. شاید مادر طول سال، دهها محفل قرآنی خارج از استودیوی خودمان برگزار بکنیم. این غیر از محافلی است که حضور پیدا می‌کنیم و پخش می‌شود. بخشی از برنامه‌ها فوق برنامه‌هایی بود که چه بسا مستقیم به برنامه‌سازها ارتباط پیدا نمی‌کرد. اما غیرمستقیم برنامه‌سازی ما را ساپورت (تقویت) می‌کرد؛ مثل همین آیه‌های





## در شبکه‌های دیگر صدای گوینده شرط لازم است و صدای کامل

### رادیویی

### مشکلات دیگر را

### می‌پوشاند یعنی

### صدا آنجا

### اولویت دارد. در

### صورتی که در

### رادیو قرآن و

### همه شبکه‌های

### محتوایی، اولویت

### با تسلط بر

### موضوع است.

تشویق به ادامه کار می‌کند، همین است. منتهای البته ما این طرح را به صورت روتین روزانه ندیدیم، برای موقعیتهایی خاص مثل ایام تابستان، ماه مبارک رمضان، تعطیلات عید و... دیدیم. البته ما از الان داریم برنامه ریزیهای سال آینده را انجام می‌دهیم تا این کار را سال آینده هم ادامه دهیم.

□ چه در دوره شما و چه در دوره‌های قبل، به نظر شما رادیو قرآن چه موقعیتهایی را از دست داده است؟

○ عرض کنم که اولاً من چون همه اینها را خدمت به قرآن می‌دانم، لذا معتقدم که دیگران که قبل از ما بودند بر ما سبقت دارند و باقیات صالحاتشان است. لذا واقعا باید برایشان دعای خیر کرد. آنها در حوزه خودشان موفق بوده‌اند. من عرض کردم، یک وقت ماموریت رادیو قرآن در اشاعه فرهنگ قرآن خوانی بود؛ یعنی اصلاً پخش خود تلاوت موضوعیت دارد. حالا ما با توسعه‌ای که پیدا کردیم، آمدم فضاهای

خالی را پر می‌کنیم و فازهای دیگر ماموریت را انجام می‌دهیم. قبلاً فقط اشاعه قرآن خوانی بود، حالا می‌گوییم، بیایم فکر هم بکنیم، تفسیر هم پخش کنیم یا علوم قرآن هم داشته باشیم. لذا آنها نقش ارزنده‌ای داشتند. اما اینکه می‌فرمایید اشتباه، ممکن است اگر ما در سوژه‌هایمان دقت بیشتری می‌کردیم و مثلاً به موضوعات خاص قرآنی بیشتر رسیدگی می‌کردیم، بهتر می‌شد. مثلاً

اگر در حوزه اجتماعی و اقتصاد وارد می‌شدیم، شاید می‌توانستیم انس بیشتری با کتاب آسمانی برقرار کنیم. البته هنوز هم دیر نشده و باید گامهایی را برداریم و حتی بتوانیم گذشته را جبران

داشتیم. می‌خواهم عرض بکنم که از بخشی از ظرفیت سازمان توانستیم استفاده بکنیم، حتی برای آن مرکزی هم که با ما همکاری می‌کردند چیز بدیع و جالبی بود. من فقط یک آمار به شما بدهم که قریب سی هزار نفر ثبت نام داریم که با آنها تماس گرفتیم و اینها حافظ آن آیات هستند. منتهای مشکلات مالی که داریم، طبیعی است که نمی‌توانیم به همه آنها جواب بدهیم. یا در مفاهیم، صدها هزار نامه داشتیم که هنوز هم به دستمان می‌رسد. غرض اینکه برنامه‌هایی مثل آیه‌های زندگی در حقیقت با دو کارکرد طراحی شدند: کارکرد فوق برنامه‌ای و کارکرد

برنامه‌ای.

□ برای شما کدام یک اولویت داشت؟

○ در طراحی اولیه، کارکرد اول؛ یعنی اینکه ما را از رادیو بیرون ببرد. اما اگر طرحی به یک برنامه رادیویی منجر بشود، خوب، بهتر. البته به دلیل محتوا و ماهیت این طرحها که نمی‌توانند آتی و گذرا باشند، ما این را مرحله‌ای برگزار می‌کنیم و به صورت سلسله‌وار انجام خواهد شد.

□ در فاصله‌ای که از برنامه آیه‌های زندگی گذشته، با توجه به ارزیابی‌ها آیا به این نتیجه رسیدید که شنونده‌های تازه‌ای پیدا کرده‌اند؟

○ بله. اصلاً یکی از انگیزه‌هایی که ما را



کنیم.

□ درباره رادیو و تلویزیون همیشه بحثی وجود داشته که عبارت است از نسبت این رسانه‌ها با مقوله دین. به نظر شما کسی که رادیو قرآن را می‌شنود، دین‌دارتر می‌شود، دچار تهذیب نفس و تزکیه می‌شود، یا نه، فقط بر علمش اضافه می‌کند یا فقط تهییجی است که در اثر شنیدن قرائت ممکن است، اتفاق بیفتد، فکر می‌کنید کدام یک اولویت دارد؟

○ من معتقدم که هر یادگیری، یک تغییر رفتار را هم به دنبال خودش دارد؛ یعنی اگر شما به کارکرد آموزشی رادیو معتقد باشید، حتما یادگیری آن موجب تغییر رفتار هم می‌شود. البته ممکن است این تغییر رفتار در درازمدت اتفاق بیفتد که این تغییر رفتار، مردم را دین‌دارتر می‌کند. به نظر من الان رسانه کارکرد فوق‌العاده‌ای در حوزه دین و ایدئولوژی پیدا کرده. در حال حاضر رسانه دیگر کارکرد ایدئولوژیک دارد که در همه‌جا دنیا هم همین‌طور است؛ از آمریکا که متبکر این قضایا بودند و رسانه‌هایشان الان پرچمدار حراست از آرمانهای سرمایه‌داریشان است تا جوامع دیگر مثل جامعه ما که مذهبی و دینی است. لذا به نظر همه رسانه‌های ما نباید دچار بازیها و توهم شوند. شما مکتب انتقادی فرانکفورت را که می‌بینید، دقیقا چنین دیدی نسبت به رسانه دارد و می‌گوید کار رسانه، کار ایدئولوژیک شده است. از سوی دیگر رسانه فوق‌العاده قدرتمند شده. یعنی اگر شما این جهت‌گیری را نداشته باشید دیگران که این جهت‌گیری را دارند، بر شما فائق می‌شوند. زمانی رسانه در خدمت مولفه‌های

قدرت بود، در حالی که الان این‌طور نیست و نمونه‌هایش را هم به صورت عینی می‌بینیم که در دنیا با رسانه چه می‌کنند؛ همه تعاملات دنیا را با رسانه رقم می‌زنند. لذا کارکرد قدرتمند رسانه، به‌ویژه کارکرد ایدئولوژیکش را نباید فراموش کرد، چون بسیار مهم است و

### موسیقی را داوطلبانه حذف

کردیم. در حقیقت سعی

کردیم برای مخاطبانمان

قدرت انتخاب بگذاریم.

عده‌ای از شنوندگان در این

جامعه به هر دلیلی، تمایل به

شنیدن موسیقی ندارند که

اینجا اتفاقا از مخاطبان ما هم

محسوب می‌شوند.

حتما تاثیر دارد که این تاثیر عقلایی هم هست.

□ مشکلی در همین نسبت دین و رسانه

وجود داشته که خواست ما هم نیست؛

مثلا در دوران آلمان نازی توصیه

می‌شود که کشیشها وارد تلویزیون

نشوند؛ یعنی معتقد بودند که حرمت این

افراد شکسته می‌شود. مثلا در مورد کار

شما و خود قرآن، ما توصیه خاصی برای

قرآن خواندن داریم؛ باید وضو داشته

باشیم، حتی الامکان روبه قبله باشیم و...

حالا شما این تلاوت را از رادیو پخش

می‌کنید و رادیویی که در واقع کنش

ثانویه است، آیا این اصلا درست است؛

یعنی رادیو روشن است و شنونده ممکن

است به کار دیگری مشغول باشد. آیا این

هتک حرمت به قرآن نمی‌شود؟

○ نه، اینها ممکن است بهانه‌ای شوند که از آنها فاصله بگیریم. من می‌خواهم بگویم خیلی از این آداب جایگاه دارد. کسی که می‌خواهد تلاوت بکند و کسی که می‌خواهد تلاوت بشنود، آدابشان متفاوت است. لذا این حفظ حرمتها هرکدام جای خودش را دارد. منتها مثالی که در مورد غرب زدید، من فکر نمی‌کنم غرب به خاطر قداست کشیش این کار را کرده باشد. تصور من این است که غرب از شیوه هنری استفاده کرده؛ چون غرب می‌خواهد مذهب موید سرمایه‌داریش را تبلیغ کند؛ اگر به کشیش می‌گوید جلوی تصویر نیاید، به این دلیل است که می‌خواهد به شیوه هنری عمل کند، منتها به نظرم اینجا هیچ منافاتی وجود ندارد و نسبت، نسبتی نیست که اینها را از هم جدا بکند. رسانه کاملا می‌تواند در خدمت دین قرار بگیرد. در مجموع به نظرم شنیدن قرآن ولو در حال رانندگی کار بسیار خوبی است یا به هنگام انجام کارهای عادی دائما مرور کلام الهی در ذهن اشکالی ندارد و موردی هم تا به حال نداشتیم، ولی چون شما فرمودید، حسابیستی ایجاد شد تا در این زمینه تحقیق بیشتری انجام بدهیم.

خب، ممکن است بخشی از حرفهای شما هم درست باشد، منتها ما باید اقل عقل را هم برای مخاطبانمان در نظر بگیریم. مخاطبان اهل تفکیک هستند. متوسط مخاطب اهل تفکیک است و قطعاً اینها را از هم جدا می‌کند، منتها ممکن است اثرات تربیتی را در درازمدت داشته باشد یا اصلا نداشته باشد.

